زنده ماندنم یك معجزه بود

تنها بازمانده سقوط بوئینگ ۷۰۷، روز بعد از سانحه جزئیات حادثه را تشریح کرد. در فیلمی که از وی در فضای مجازی منتشر شده است، سرهنگ فرشاد مهدوی قلعه تنها بازمانده حادثه سقوط هواپیما باری بوئینگ ۷۰۷ درباره روز حادثه گفته است: برای تنظیم بازار و خرید محموله گوشت به کشور قرقیزستان رفته بودیم. بعد از بارگیری این محموله ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه صبح بود که تیك‌آف کردیم سمت ایران. حتی دستورالعمل نشستن روی باند فرودگاه پیام را هم گرفتیم، اما یکدفعه دیدیم که آخر باند هستیم و همه جا آتش گرفت. یك نفر که لباس سفید داشت زیر من قرار گرفته و فردی که کت و شلوار مشکی داشت هم روی من افتاده بود.

وی افزود: فریاد زدم کمك کمك. نمی‌دانم آن مرد جوان چطور صدایم را شنیده بود. به سمتم آمد و مرا از هواپیمای سقوط کرده بیرون آورد. زنده ماندنم یك معجزه بود. من مرگ را مقابل چشمانم دیدم. حتما زنده ماندنم حکمت و دلیلی باید داشته باشد. من باید بدانم برای چه کاری خدا مرا زنده نگه داشته که بازگردم.

خانواده پسر ۸ ساله از کادر بیمارستان به خاطر قصور شکایت کردند

تزریق اشتباهی بلای جان پسر ۸ ساله

پدر و مادر سهیل زمانی که پسر هشت‌ساله‌شان را به خاطر دل‌درد به بیمارستان بردند، نمی‌دانستند او در بیمارستان دچار ایست قلبی می‌شود. خانواده پسربچه از کادر بیمارستان به خاطر قصور در درمان شکایت کردند.

به گزارش جام‌جم، ساعت یك و پنج دقیقه بیست و یکم دی امسال یکی از ماموران کلانتری نواب در تماس با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران خبر دادن که پسر هشت‌ساله‌ای به نام سهیل به طور مشکوکی در یکی از بیمارستان‌های تهران فوت شده است. با دستور قضایی تحقیقات اولیه آغاز و معلوم شد که این پسر خردسال به خاطر بدحالی و دل‌دردی که داشته به این بیمارستان منتقل شده، اما بعد از این‌که چند آمپول به وی تزریق شده حال کودك بدتر شده و فوت کرده است.

این در حالی بود که والدین کودك بابت مرگ پسرشان از کادر درمانی و مسؤولان بیمارستان به خاطر این‌که قصور کرده‌اند و تنها فرزندشان فوت شده، شکایت کردند و خواستار مجازات مقصران حادثه شدند. باتوجه به این‌که پرونده در صلاحیت دادسرای جرایم پزشکی بود پرونده از دادسرای جنایی تهران به دادسرای جرایم پزشکی ارسال شد تا تحقیقات قضایی در آنجا انجام شود.

پدر داغدیده سهیل که پیمانکار پروژه‌های راهداری است، درباره مرگ فرزندش به جام‌جم گفت: سال ۸۸ ازدواج کردم و ثمره زندگی‌مان سهیل هشت‌ساله بود. در محله خلیج‌فارس زندگی می‌کنیم و پسرم در کلاس دوم درس می‌خواند. روز چهارشنبه سهیل مثل همیشه در سر کلاس درس حاضر شده بود. بعدازظهر که به خانه آمد می‌گفت حالت تهوع دارد و حالش خوب نیست. دل‌درد هم داشت. بعد از حرف زدن با پسرم متوجه شدم که بعد از نوشیدن آبمیوه در مدرسه حالش بد شده است. پسرم را به بیمارستانی در تهرانسر بردیم که به وی آمپول و سرم تزریق کردند.

پدر داغدیده ادامه داد: پسرم همچنان تب داشت اما بعد از تزریق‌ها، کمی تبش پایین آمد اما هنوز دل درد داشت. بعد از آن او را به بیمارستان طب کودکان بردیم که بعد از بررسی وضع پسرم به ما گفتند باید او را به بیمارستان دیگری منتقل کنیم و او در بیمارستان سوم بستری شد. به مدرسه رفتم و درباره وضعیت بیماری پسرم گفتم و خواستم که نوع آبمیوه‌ای که نوشیده را به من نشان دهند که متوجه شدم آبمیوه سالم بوده و تاریخ مصرف دارد. در آن دو روز فقط به او سرم و آمپول تزریق کرده بودند و هیچ غذایی نتوانسته بود بخورد. از پرستاران بیمارستان خواستیم که اول علت دل‌درد او را پیدا کنند و از وی سونوگرافی بگیرند اما این کار را انجام ندادند.

این مرد ادامه داد: پرستاران پنج، شش آمپول به وی تزریق کردند و گفتند باید اول این آمپول‌ها به او زده شود تا بعد ادامه درمان انجام گیرد. نوار قلب او را گرفتند و بعد تنفسش را بررسی کردند. زمان کوتاهی از این تزریق‌ها نگذشته بود که حال پسرم بد شد و به یکباره قلبش دچار مشکل شد. پرستاران با دیدن این وضع به احیای او پرداختند تا او را به زندگی برگردانند اما بعد از ۱۵دقیقه هرچه تلاش کردند او به زندگی بازنگشت و فوت کرد. بعد مسؤولان بیمارستان به ما گفتند که پسرم ناراحتی قلبی داشته و همین باعث مرگ او شده است.

پدر داغدیده ادامه داد: هرچه گفتیم او بیماری قلبی نداشته و حالش خوب بوده به حرف‌هایمان توجهی نکردند. پسرم همیشه ورزش می‌کرد و غذاهای مناسبی می‌خورد و سابقه بیماری قلبی نداشت. کادر درمانی در مرگ او قصور کردند و باعث شدند تنها فرزندمان را از دست بدهیم و برای همیشه داغدار او شویم. از مسؤولان و کادر درمانی بیمارستان شکایت کردیم و از مرجع قضایی خواستار رسیدگی به این پرونده هستیم.

پسر خردسال، قربانی سفر غیرقانونی مادر شد

یخ زدن پسر ۶ ساله در مرز

خروج غیرقانونی زن جوان و دو پسر خردسالش از کشور به قیمت جان پسر شش ساله تمام شد. پسربچه بر اثر سرما در کوهستان جان باخت.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۱۱ شب پنجشنبه ماموران هنگ مرزی بازرگان هنگام گشتزنی به چند نفر که غیرقانونی قصد خروج از مرز را داشتند، مشکوك شدند و به آنها دستور ایست دادند. یکی از آنها که مرد جوانی بود از محل فرار کرد و ماموران زن جوانی را همراه پسر سه ساله‌اش دستگیر کردند. زن جوان در تحقیقات مدعی شد، پسر شش ساله‌اش هم همراه آنها بوده که ناپدید شده است. ماموران هنگ مرزی جست‌وجو در منطقه را آغاز کردند، اما با گذشت دو ساعت هیچ اثری از پسر بچه پیدا نشد و برای یافتن او از هلال احمر درخواست کمك کردند.

رئیس جمعیت هلال احمر ماکو در این‌باره به جام‌جم گفت: پسربچه شش ساله ساعت ۱۱ شب ناپدید و ساعت یك و ۳۰ دقیقه بامداد ماجرا به ما اعلام شد. بلافاصله تیم کوهستان را آماده کرده و به منطقه ناپدید شدن این کودك اعزام کردیم. تیم هلال احمر متشکل از دو پرسنل و پنج امدادگر بودند که جست‌وجو در منطقه را آغاز کردند.

سجاد اسماعیل‌زاده افزود: ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه صبح جمعه امدادگران پسر شش ساله را پیدا کردند که بر اثر سرمازدگی جان باخته بود. در بررسی‌ها مشخص شد، این زن و دو فرزندش همراه قاچاق‌بری در حال خروج غیرقانونی از مرز بودند که با ماموران روبه‌رو می‌شوند. پسر شش ساله روی کول قاچاق‌بر بوده که او پس از طی مسافتی، پسر بچه را پایین گذاشته و از او می‌خواهد منتظرش بماند تا برگردد. پسر شش ساله که دچار وحشت شده بود، به سمت شهر حرکت می‌کند که پس از طی مسافتی حدود ۴۰۰ متری بر اثر سرمازدگی جان خود را از دست می‌دهد.

مادر این کودك برای تحقیقات درباره علت خروج غیرقانونی از کشور تحویل مقام قضایی شده و تحقیقات ادامه دارد

همسرکشی در جنایت مستانه

مرد میانسال که در جنایت مستانه، همسرش را خفه کرده بود، با پلیس تماس گرفت و راز جنایت را فاش کرد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۹ صبح جمعه ۲۸ دی امسال مردی با کلانتری بهارستان تماس گرفت و درحالی که صدایش می‌لرزید، گفت: من قاتلم، می‌خواهم تسلیم شوم، همسرم را کشتم.

این مرد حتی نشانی خانه‌اش در خیابان فدائیان اسلام را به پلیس داد و بعد گوشی تلفن را قطع کرد. ماموران بعد از این تماس، به خانه مورد نظر رفتند. آنها با حضور در آنجا با خانه دوطبقه قدیمی روبه‌رو شدند. زنگ اول را که به صدا درآوردند، مردی پاسخ داد و گفت، از ماجرا خبر ندارد. مرد صاحبخانه با شنیدن خبر وقوع یك جنایت در ساختمان محل زندگی‌اش وحشت‌زده شده بود. در را برای ماموران بازکرد و گفت: همراه همسرم در طبقه اول ساختمان زندگی می‌کنم. پسر و عروسم هم در طبقه دوم ساختمان زندگی می‌کنند. دیشب پسرم، نوه‌مان را نزدمان آورد و خودش به خانه‌اش در طبقه دوم بازگشت.

ماموران به طبقه دوم رفته و با مردی روبه‌رو شدند که بالای سر همسرش گریه می‌کرد. ماجرای این قتل به سجاد منافی‌آذر، کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. در بررسی‌های تیم جنایی مشخص شد، زن جوان بر اثر خفگی به قتل رسیده و هشت ساعت از مرگ او می‌گذرد. متهم میانسال با اعتراف به همسرکشی گفت: دو مغازه فروش صنایع‌دستی و لوازم آرایشی در بازار تهران دارم. با همسر و فرزند دو و نیم ساله‌ام در طبقه دوم ساختمان خانه پدری‌ام زندگی می‌کردم. پنجشنبه‌شب مشروب خوردم و مست بودم. ساعت یك صبح جمعه، با همسرم درگیری لفظی پیدا کردم. دعوایمان بر سر مسائل مالی بود. عصبانی شدم. در یك لحظه نفهمیدم چه می‌کنم. دستانم را به دور گردن همسرم حلقه زدم و محکم فشار دادم، او دست و پا می‌زد تا از دستم رها شود، یك‌دفعه نفسش بند آمد. دستانم را که کنار کشیدم، روی زمین افتاد. بالای سرش رفتم، اما نفس نمی‌کشید. وقتی به خودم آمدم، تازه فهمیدم او را قربانی خشم خود کرده‌ام. گریه کردم و نمی‌دانستم باید چه کاری کنم. همانجا کنار جسد نشستم و گریه می‌کردم. التماس می‌کردم بیدار شود، اما خیلی دیر شده و او برای همیشه از پیشم رفته بود. تا ساعت ۸ صبح کنار جسد همسرم مانده بودم. سرانجام بعد از یك ساعت کلنجار رفتن با خودم به کلانتری محله‌مان زنگ زدم و گفتم که همسرم را کشته‌ام و می‌خواهم تسلیم شوم.

متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

قتل مهندس جوان در دعوای ۲ برادر

کارگر جوان که در دعوا با برادرش، مهندس جوان را با پرتاب میلگرد کشته بود، پنجشنبه پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از تابستان سال ۹۵ به دنبال بالا گرفتن دعوا میان دو برادر که هر دو از کارگران ساختمانی در منطقه لواسان بودند، آغاز شد. دعوا میان عظیم و محمد به کتك‌کاری کشیده شد و عظیم که با سنگ، شیشه تلویزیون اتاق محمد را شکسته بود با میانجیگری صاحب ملك و پسرش کمی آرام گرفت. عظیم اما دست‌بردار نبود. وقتی میانجیگری صاحب ملك و پسرش که مهندس ساختمان بود برای خاتمه دادن به این دعوا بی‌نتیجه ماند، آنها با پیمانکار ساختمانی تماس گرفتند. مرد پیمانکار قصد آرام کردن دو طرف را داشت ولی عظیم میلگردی را به سمت وی پرت کرد و مرد پیمانکار به سرعت جاخالی داد. در همان لحظه میلگرد در گردن پسر صاحب ملك که شاهد ماجرا بود نشست. پسر جوان که به‌شدت دچار خونریزی شده بود به بیمارستان منتقل شد، اما ساعتی بعد به خاطر شدت جراحات جان سپرد. به این ترتیب پرونده جنایت تشکیل و عظیم بازداشت شد.

وی به پرتاب میلگرد اعتراف کرد و در شعبه هشتم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی توکلی و با حضور یك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه پدر قربانی که قیم دو نوه خردسالش است، در جایگاه ایستاد و برای عظیم حکم قصاص خواست. وی گفت: پسرم شاهد دعوا بود و قصد میانجیگری داشت، اما بی‌گناه کشته شد.

سپس عظیم روبه‌روی قضات ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: دعوای من و محمد بر سر کار بود. برادرم تنبل بود و همیشه کارهای سخت را گردن من می‌انداخت. آن روز من خیلی عصبانی بودم و می‌خواستم هرطور شده محمد را ادب کنم، اما وقتی پیمانکار ساختمانی سر رسید به حرف‌هایم گوش نداد. او فقط می‌خواست به دعوا فیصله بدهد. من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم میلگرد را به سمت پیمانکار و برادرم پرت کردم ولی او جاخالی داد و میلگرد به ستون خورد و از آنجا کمانه و به گردن پسر صاحب ملك برخورد کرد. وقتی دیدم میلگرد ۱۵ سانتی‌متر به گردن او فرورفته است، شوکه شدم. من قصد کشتن کسی را نداشتم. فقط به خاطر عصبانیت میلگرد را پرتاب کردم.

وی ادامه داد: من صاحب ملك و پسرش را از قبل می‌شناختم. پدر و پسر اولین شاهدان دعوا میان من و محمد بودند. آنها سعی کردند به دعوا پایان دهند، ولی وقتی نتوانستند با پیمانکار تماس گرفتند تا خودش را به محل ساختمان برساند. حرف‌های پیمانکار موجب شد عصبی‌تر شوم و میلگرد را به سمت او پرتاب کنم.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود، گفت: من پشیمانم و از اولیای دم تقاضای بخشش دارم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

متهم در دادگاه جنایت را قبول کرد

قتل همسر ایرانی به خاطر سوءظن

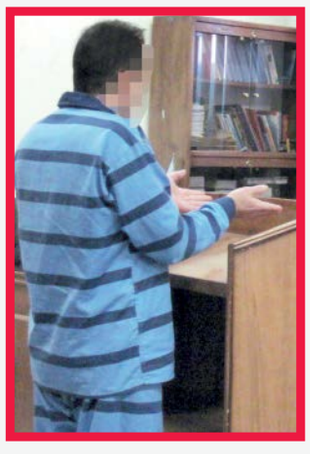

مرد جوان که در بازگشت سرزده به خانه همسر صیغه‌ای‌اش را کشته بود، پای میز محاکمه ایستاد و ادعا کرد همسرش با یك مرد غریبه در ارتباط بوده است.

به گزارش جام‌جم، اوایل تابستان سال ۹۲ به ماموران کلانتری ۱۴۰ تهرانسر خبر رسید یك زن ۳۵ ساله به نام سحر در خانه‌اش کشته شده است. مأموران وقتی به خانه مورد نظر رفتند با جسد کبود زن جوان روبه‌رو شدند که شواهد نشان می‌داد خفه شده است. جسد به پزشکی‌قانونی منتقل شد و پلیس به بررسی حادثه پرداخت. شواهد نشان می‌داد این زن پس از جدا شدن از همسرش به تنهایی در خانه‌اش زندگی می‌کرده و از مدتی قبل یك مرد افغان به خانه او رفت و آمد داشته است. به این ترتیب پلیس در نخستین گام از تحقیقات رد مرد افغان به نام محمد را یافت و وی را بازداشت کرد.

محمد در بازجویی‌ها پرده از جنایت برداشت و به قتل همسر صیغه‌ای‌اش اعتراف کرد. به این ترتیب او پنجشنبه در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یك قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه پدر مقتول درخواست قصاص را مطرح کرد، اما فرزند قربانی دیه خواست.

وقتی محمد رو به روی قضات ایستاد، گفت: مدتی پیش در خیابان با سحر آشنا شدم. او می‌گفت مدتی است از همسرش جدا شده و به تنهایی زندگی می‌کند. سحر خودش پیشنهاد صیغه را مطرح کرد و از من خواست تا به او خرجی ماهانه بدهم. من هم چون مجرد بودم، قبول کردم. چند ماه بود که سحر را صیغه کرده بودم. آخرین بار یکباره تصمیم گرفتم سرزده به خانه بروم، اما مقابل در با یك مرد غریبه روبه‌رو شدم. شوکه شده بودم که به خانه رفتم و از سحر خواستم تا درباره حضور مرد غریبه در خانه توضیح دهد، اما او جواب قانع‌کننده‌ای به من نداد. به همین خاطر عصبانی شدم و دعوایمان بالا گرفت. من در اوج خشم همسرم را خفه کردم و فرار کردم.

با پایان دفاعیات این مرد، هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

مرد افغان پس از دیدن مرد غریبه‌ای مقابل خانه همسر صیغه‌ای‌اش به‌خاطر سوءظن زن ایرانی را کشت

تلنگر

آخرین وضعیت پرونده حمله سگ به خانواده‌ای در لواسان

فردی که در نگهداری از سگ‌هایش سهل‌انگاری کرده و باعث شده بود یکی از این قلاده‌سگ‌ها به کودکی حمله و او را مصدوم کند با قرار صدمیلیون تومانی آزاد شد.

به گزارش میزان، روز جمعه ۲۳ آذر امسال خانواده‌ای برای گذراندن تعطیلات آخر هفته به پارکی در شهر لواسان شمال تهران رفته بودند که مورد حمله دو سگ بدون قلاده قرار گرفتند. در حمله این سگ‌ها دختر ده ساله خانواده از ناحیه دست و پا زخمی شده و تحت درمان قرار گرفت. خانواده این دختر شکایت کردند.

شریعتی، رئیس دادگستری لواسانات در باره این پرونده گفت: بعد از شکایت این خانواده در مرجع قضایی، پدر متهم پرونده نیز احضار و به او گفته شد که سهل‌انگاری پسر وی در نگهداری از سگ‌هایش منجر به این حادثه شده است. بعد از گفت‌وگو با وی قول داد که همه هزینه‌های انجام شده و حتی هزینه جراحی پلاستیك را پرداخت کند هرچند تالمات روحی وارده قابل جبران نیست. پرونده به شعبه ارجاع شده و در حال رسیدگی است. شاکی طول درمان دارد و به دلیل این‌که هنوز نظر قطعی پزشکی‌قانونی در رابطه با تعیین میزان دیه ارسال نشده، رای صادر نشده است. متهم با سپردن وثیقه صد میلیون تومانی تا روز دادگاه آزاد شده است.

شریعتی با رد آقازاده بودن متهم، تصریح کرد: متهم فردی عادی است که با بی‌احتیاطی باعث وقوع چنین حادثه ناگواری شده است.

مشروبات دوباره قربانی گرفت

دو نفر که بعد از مصرف مشروب الکلی مسموم شده بودند، در کاشمر فوت شدند.

محمدجواد یزدانی، مدیر شبکه بهداشت و درمان کاشمر به ایرنا گفت: بیست وششم دی امسال، هفت مرد جوان بعد از نوشیدن مشروب الکلی مسموم شدند و در بیمارستان حضرت ابوالفضل (ع) و شهید مدرس کاشمر بستری شدند. پنج نفرشان به خاطر وخیم بودن وضعیت جسمانی‌شان به بیمارستانی در مشهد منتقل شدند که یکی از آنها در آنجا فوت شد و دیروز هم یکی از دو نفری که در بیمارستان حضرت ابوالفضل (ع) بستری بود، فوت شد و تعداد قربانیان به دو نفر رسید. همچنین یکی از افراد مسموم که در بیمارستان فوق بستری بود با از دست دادن کلیه‌هایش دیالیز می‌شود.

دستبرد مسلحانه به طلافروشی

دو سارق مسلح با ورود به مغازه طلافروشی‌ای در ارومیه با سرقت سکه‌های طلا متواری شدند.

به گزارش پلیس، عصر پنجشنبه دو سارق مسلح وارد طلافروشی در خیابان فرهنگیان ارومیه شدند و با تهدید صاحب مغازه و شلیك دو تیر در آنجا تعداد زیادی سکه دزدیده و متواری شدند. پرونده‌ای در این باره تشکیل شده و پلیس در جست‌وجوی سارقان فراری است. هنوز از میزان سکه‌های سرقتی گزارشی منتشر نشده است.

۸۷ مصدوم در تصادف زنجیره‌ای

تصادف زنجیره‌ای میان پنج دستگاه خودرو به مصدومیت ۸۷ نفر منجر شد.

مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر کشور به میزان گفت: دو دستگاه اتوبوس-سواری و دو دستگاه تریلر در کیلومتر ۲۰ محور ایوانکی به گرمسار در حرکت بودند که با هم تصادف کردند و در این حادثه ۸۷ نفر دچار حادثه شده و هشت نفر آسیب دیدند. پنج نفر سرپایی درمان و سه نفر دیگر در بیمارستان بستری شدند.

قتل مرد عتیقه‌فروش و همسرش در خانه

پلیس شهر تبریز در جست‌وجوی قاتل یا قاتلانی است که شبانه به خانه مرد عتیقه‌فروشی وارد شده و او و همسرش را از پای درآورده‌اند.

علیار راستگو، فرماندار تبریز به ایسنا گفت: روز سه‌شنبه گذشته وقوع قتل زن و شوهری در خانه‌شان در خیابان طالقانی شهر تبریز به پلیس گزارش شد. ماموران برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شدند و با کشف اجساد این زوج، متوجه شدند که شب قبل کشته شده‌اند و وسایل خانه به‌هم ریخته است. ماموران در جریان تحقیقات متوجه شدند که مرد کشته‌شده صاحب مغازه فروش لوازم قدیمی و عتیقه بوده است.